



تکر کم فهمیده  
باشم چی شده  
... زاک ...

و ناگهان ... نفهمدم چی شد ...  
اما دیدم که تو این "۱۵۴" هستم ،  
به هواپیمای دیگه ... هیچ  
در سر شمارم ! ...



" سقوط ...؟ " من ... آره ! فقط به چیزی یادم میاد ... " شتاب  
برنده " ای که من تعقیب میکردم ، ناگهان با سرعتی وحشت  
آور به طرف من آمد ... بعد از آن دیگه چیزی یادم نیست ...



بسیم کسی که  
از خوشحالی  
بال در  
سار ...



رفتی بطور معجزه ؟ ما به اینجار سیدی ، سوار هواپیمای  
دیگری شدی و در  
موقع تعقیب ، شتاب برنده ،  
ما فقط ات رو دیدست  
... آوردی ...



تو از سقوط هواپیمای جان  
سالم بدر بردی ، اما دچار  
فراوانی شدی ...  
احتمالش  
! هست ؟



بله کاپیتان لوین کانپون ، خلبانی که بیست و نهمین بار از  
دست داده بود ، فرانسوی و گوگن به فرودگاه میرسد ...



! آه !



زاک !  
لوین !





جناب سرهنگ گرچه سختگیره،  
اما حرف حساب هم سرش میشه...  
همه چی نخو سی گذشت...



واندکی بعد درگاه پادگان.

یا! اینهم  
دان!



سخت نگوی! ... بیمنم، مگه نگفته بودین  
هرچه جناب سرهنگ داد باید با هم تقسیم کنیم؟

من دست و دل  
بارم ... حرفد شما  
رو قبول کردم.



ما باید چند نمایش آکروساتیک  
بدم تا خارت حتی رو که از بین  
بردم برداخته باشنم.

باید تنها  
صبر کن  
بیمنم! ... ما که  
نمایش بدی، این  
تو سودی که  
قصری نگردیم؟  
داغوشتر کردی.



این راز دارها به ما  
چیزی نگفته بودن.  
من حدس مردم کار  
به ازدواج برسه.

من به خبر خوبی هم  
برای شما دارم... جناب  
سرهنگ شما... خسر ازدواج  
ترب الوتوق فرانسین و لوسی  
گانون رو به ما داد...



خوبه دیگه! ... مجلسی  
ختم که ننومدین.  
به لشدن کوچک بزین  
بیمنم.



شرطی که "شباب های  
برنده" پیداشون  
اونو رو از نزدیک دیدی، نظرت چیه؟  
خیلی بد میشه... راستی، دان، تو که یکی از  
من، از جاهای  
سه عقیده  
دیگه من!



پیشنهاد میکنم موقع  
براسم ازدواج، مایه نمایش  
جالب هوایی  
براشون بدم.



به روز، ما بالاخره  
اسرار "بشقاب‌های پرنده"  
رو می‌فهمیم...



از کره مریخ... و نوس؟...  
شاید هم از خیلی دورتر!



هو! هو!

یکه ماه بعد، دیگر صحبتی از  
"بشقاب‌های پرنده" نیست.  
مارویل، از دواج فرانسین و  
لویی گابینون راجش می‌گذرد.



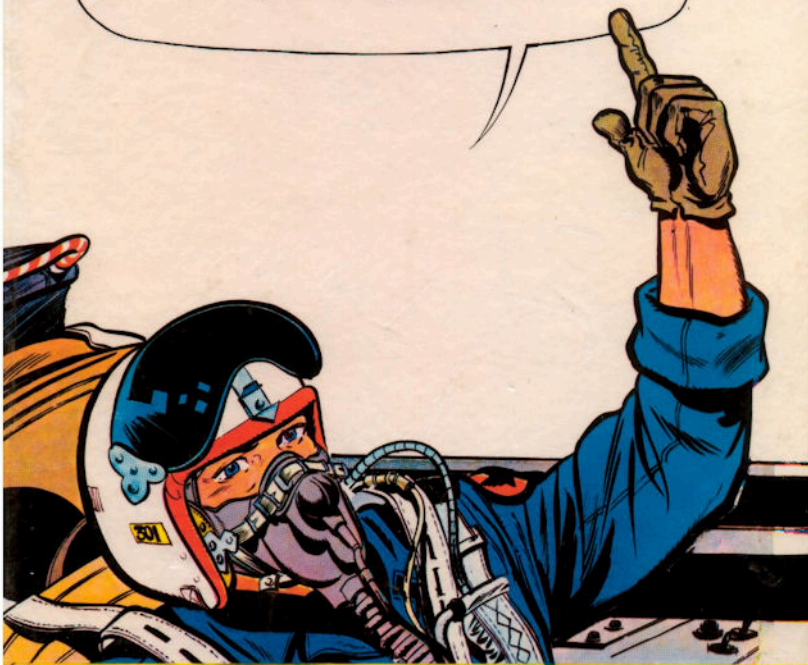
فردا جشن تمام میشود و خلبان‌های کانادایی  
دوباره با جنت‌های خود باز خواهند گشت...  
خدا نگهدار، پرنده‌های شجاع آسمانها، گنه  
دسته ۴۳۹ و ۴۴۱ را تشکیل میدهید.

پایان

این ماجرا که در مارویل اتفاق افتاده با کسب  
اجازه فرمانده پایگاه و وابسته هوایی کانادا،  
سرهنگ ای. "سی. لاکس" به چاپ رسیده است.



بچه‌ها ماجرای دیگر مرا خوانده‌اید؟  
نه؟ ... پس هر چه زودتر داستان مورد علاقه خود  
را انتخاب و همراه من به آسمانها بیایید!  
اون بالا منتظر شما هستم!!!



قیمت فروش ۳۵۰ ریال

شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۳۸۲  
۳۵۳۶/۸/۸ چاپ مدرن - تهران تلفن: ۸۹۸۰۴۷

